



نوع مقاله: پژوهشی

فصلنامه چشم انداز شهرهای آینده

www.jvfc.ir

دوره پنجم، شماره اول، پیاپی (۱۷)، بهار ۱۴۰۳

صص ۱۴۶-۱۲۹

تدوین راهکارهای آینده نگر در ارتقاء کیفیت کالبدی ساختمان‌های مسکونی معماری شهری با نگاهی به ابعاد روانشناسانه (مورد پژوهی: منطقه ۱۰ شهر تهران)

آرمین وس کاه: دانشجوی معماری، گروه معماری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران
فریبرز دولت آبادی: استادیار، گروه معماری، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱
علی اکبری: استادیار، گروه معماری، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

چکیده

باتوجه به آنکه کیفیت کالبدی معماری شهری در منطقه ۱۰ شهر تهران با مشکل مواجه است، تدوین راهبردهای ارتقاء کیفیت کالبدی معماری شهری از طریق تغییر مولفه های روانشناسانه محیط در این منطقه حائز اهمیت است. هدف اصلی تحقیق، تدوین راهبردهای ارتقای کیفیت کالبدی معماری شهری (ساختمان های مسکونی) از طریق تجزیه و تحلیل ابعاد روانشناسانه محیط در منطقه ۱۰ شهر تهران در راستای بهبود معماری شهری برای استفاده کنندگان است و سوال مطرح این است که چگونه می توان با تجزیه و تحلیل ابعاد روانشناسانه محیط، راهبردهای ارتقای کیفیت کالبد معماری شهری (ساختمان های مسکونی) را برای استفاده کنندگان تدوین نمود؟ در راستای پاسخ به این سوال از روش کیفی- کمی استفاده شد. روش پژوهش به لحاظ هدف توصیفی- تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه ای و میدانی با ابزار پرسشنامه است. تجزیه و تحلیل داده ها نیز با روش استدلال استقرائی و استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه و رگرسیون انجام گرفت. نتایج نشان داد که اصلی ترین ابعاد در حیطه های عملکردی، محیطی، فرهنگی و انگیزشی دسته بندی می شوند و هر یک از این ابعاد دارای ریز مولفه های مختلفی است که بکارگیری تک تک این ریز مولفه ها در کنار یکدیگر موجب ارتقاء کیفیت کالبد ساختمان های مسکونی و به دنبال آن معماری شهری می شود. براین اساس راهبردهای ارتقاء کیفیت کالبدی معماری ساختمان های مسکونی از طریق تغییر مولفه های روانشناسانه محیط در شهر منطقه ۱۰ تهران عبارتند از: فهم ماهیت مصالح ساختمانی که در سرشت خود پایدار باشند و به صورت هماهنگ با منطقه باشند. ضمن آنکه توجه به نقش نمادین رنگ و فرم در کالبد ساختمان های مسکونی، چه از منظر کیفیت کالبدی و چه از منظر بهبود ارتقاء مولفه های انگیزشی ساکنین منطقه ۱۰ شهر تهران و چه به مثابه عنصر معنادار در معماری شهری این منطقه که می تواند احساسات و ادراکات افراد را درگیر کند و ذهنیت ایشان را نسبت به کیفیت معماری شهری این منطقه بهبود بخشد.

کلمات کلیدی: ساختمان مسکونی، معماری شهری، ابعاد روانشناسی محیط، منطقه ۱۰ شهر تهران.

مقدمه

کیفیت معماری فضاهای شهری در ایران در دوران کنونی با چالش‌های فراوانی روبه‌روست و آنچه ساخته می‌شود در خور و شایسته فضای شهری کشورمان قلمداد نمی‌شود. این درحالی است که معماری فضای شهری در ایران، یکی از بارزترین مشخصه‌های کیفیت نمادهای شهرهای ایران در طول تاریخ بوده است و در دوران کنونی، خدشه‌دار شده است. امروزه در معماری فضاهای شهری شاهد فراموشی اصول و معیارهای روان‌شناسی محیط هستیم، چراکه رویکرد روانشناسی محیطی که در گذشته به آن توجه می‌شده و از طریق طبیعت و محیط زیست القاء می‌شده است، امروزه ناشناخته مانده و پیوستگی میان معماری فضاهای شهری و ابعاد روان‌شناسانه محیطی از بین رفته است (جنگجو و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۳) و علی‌رغم پیشرفت‌های علمی بشر امروزین، هنوز عوامل بسیاری هستند که تهدید برای معماری فضاهای شهری و به تبع آن انسان‌ها بشمار می‌آیند و کیفیت کالبدی معماری فضاهای شهری امروز از اصلی‌ترین این عوامل است (رجبی امیرآباد و رحمانی، ۱۳۹۹: ۳۳)، زیرا رفتار فضایی انسان در دیدگاه شهری در رابطه با شاخص‌های معماری فضای شهری روی می‌دهد. لازم به ذکر است که معماری فقط مجموعه‌ای از سبک‌ها و فرم‌ها نیست و حتی کاملاً شرایط اجتماعی و اقتصادی خود را مشخص نمی‌کند، بلکه مجموعه‌ای از آن‌ها است (امام قلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۴). از همین رو زمانی که از معماری شهری سخن به میان می‌آید، مسئله نوع کالبد و ارتباط میان معماری شهری و ابعاد روانشناسی محیطی ناخودآگاه به ذهن مخاطب رخنه می‌کند، چراکه بر اساس همین نوع ارتباط است که معماری می‌تواند با مخاطب خود عجین شود و علاوه بر آن سبب کیفیت کالبد معماری شهری گردد (حاتمی، ۱۳۹۶: ۱۷۹). در این راستا امینی و همکاران در سال ۱۴۰۲ به تبیین مؤلفه‌های فضای شهری با رویکرد روانشناسی محیطی (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر شیراز) پرداختند و با استفاده از روش تحقیق کمی و ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که منطقه هشت شهر شیراز از منظر اکثر ابعاد طراحی و برنامه‌ریزی نظیر مشارکت اجتماعی، دسترسی به حمل و نقل عمومی و فضاها و کاربری‌های تفریحی برای سالمندان مناسب نیست و علاوه بر مولفه‌های کالبدی نظیر پیاده‌روها، و همچنین برخی مولفه‌های اجتماعی نیز در منطقه هشت شهرداری شهر شیراز مسیری متفاوت با مسیر شهر دوستدار سالمندان را در پیش گرفته است. بهبود و همکاران در سال ۱۴۰۰ به بررسی روان‌شناسی محیطی معیارهای کیفیت فضایی مجتمع‌های مسکونی در ارزیابی عملکرد مینا پرداختند و با استفاده از روش تحقیق کمی و ابزار پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که بیشترین میزان اولویت‌های کاربران از مولفه‌ها عبارت است از: قلمرو همسایگی، فضای شخصی، حریمیت، تعامل‌پذیری، فضاهای مشاع، انعطاف‌پذیری، سرزندگی فضایی، درون‌گرایی و هویت‌مندی. روشنی و همکارانش در سال ۲۰۱۷ به ارائه یک مدل مفهومی برای یکپارچه سازی شبکه فضایی شهری با رویکرد "جامعه‌زندگی" پرداختند. در این تحقیق روش‌های اصلی تحقیق، تحلیل محتوا و استدلال استقرایی است و رویکرد اصلی اتخاذ شده در تحلیل و طراحی، رویکرد "جامعه‌زنده" در جنبش شهرسازی جدید است. نتایج نشان می‌دهد که فضاهای شهری به عنوان عنصر اصلی در یک شبکه منطقی قرار دارند و برای دستیابی به یکپارچگی مکانی، باید تداوم بخش‌های فرعی شهر حفظ شود. ضمن اینکه توجه به استمرار مکانی بین عناصر مختلف شهری، انسجام پس‌زمینه را ضروری می‌کند و بستر شبکه یکپارچه‌ای را برای ایجاد یک شهر خوانا فراهم می‌کند. آریان و همکاران در سال در مقاله خود با عنوان بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی - فضایی مؤثر بر ارزش زمین‌های مسکونی در محله زعفرانیه تهران با استفاده از روش تحقیق ANP و انجام مصاحبه دریافتند که مؤلفه‌های دید به نقاط اطراف زمین، ۰/۲۴۹، دسترسی به امکانات و فعالیت‌های شهری ۰/۰۵۱، ساختار قطعات زمین ۰/۰۱۱، آسایش محیطی ۰/۰۶۵، تصویر ذهنی ساکنین ۰/۴۴۱ و میزان امنیت محیط ۰/۲۲۸ بر قیمت زمین‌های مسکونی محله زعفرانیه تأثیر داشته‌اند. صادقی و همکارانش در سال ۱۳۹۶ به بررسی کاربری رویکرد ایرانی اسلامی در فرآیند تحلیل و ارتقا کیفیت نماهای شهری پرداختند و با استفاده از روش‌های تحقیق توصیفی - تحلیلی و تطبیقی، به ارزیابی کیفی و تحلیل تطبیقی نمونه‌هایی از فرآیند طراحی شهری نماهای شهری در فضاهای عمومی شهر تهران (خیابان کارگر، خیابان امام، میدان خمینی و میدان راه آهن) پرداخته و با دستیابی به چارچوبی مفهومی و اصولی کاربردی، فرآیندی بهینه و انعطاف‌پذیر در زمینه ارتقای کیفیت بصری زیبایی‌شناختی نمای ساختمان‌های شهرهای ایران ارائه

کرده‌اند. نتایج بررسی حاکی از آن است که از فرآیند طراحی در نمونه‌های مورد مطالعه نشان دهنده نبود یک فرآیند طراحی مطابق با کیفیات شهر ایرانی - اسلامی و عدم بومی‌گرایی و عام بودن آن در پروژه‌های مورد بررسی می‌باشد. براساس تحلیل نمونه‌های مورد مطالعه می‌توان فرآیند طراحی شهری آنها را به شش بخش اصلی تقسیم نمود، که بنا به ضرورت و ویژگی‌های خاص هر پروژه بر جزئیات آن افزوده می‌گردد. با توجه به پیشینه پژوهش می‌توان اذعان داشت که در دوران مدرن کالبد معماری شهری بدون توجه به امر روانشناسی محیطی و شناخت ابعاد مختص به آن، بنا شده‌است. به گونه‌ای که در طرح‌های معماری شهری نیز که در گذشته نقش طبیعت و ارتباط بین انسان و طبیعت از اصلی‌ترین عناصر در معماری شهری بوده است، به دلیل عدم آموزش معماران و طراحان در مورد جنبه‌های اقتصادی طرح‌ها، جنبه‌های سیاسی و... امروزه جای خود را به تزئینات و تجمل‌گرایی داده است و این عمل سبب فاصله گرفتن انسان‌ها از طبیعت و حیطه‌های وابسته به آن گشته است به گونه‌ای که پیوندی میان انسان و محیط زیست را در معماری شهری نمی‌توان مشاهده نمود. همچنین با توجه به آنکه از گذشته تا به امروز توجه به رویکرد روانشناسی محیط و اصول وابسته به آن به طرق مختلف وجود داشته و تا به امروز دچار گسست فرهنگی نگشته است؛ پرداختن به این رویکرد در جهت ایجاد پیوند تداوم‌دار میان انسان و محیط و ارتقاء کیفیت معماری شهری و ادامه داشتن آن در آینده امری ضروری به نظر می‌رسد.

منطقه ۱۰ شهر تهران، یکی از مناطق پرجمعیت و قدیمی شهر تهران است که امروزه کالبد معماری ساختمان‌های مسکونی این منطقه تخریب شده هستند و از این رو به محیط پیرامون و زیست بوم خود آسیب زده‌اند و کیفیت معماری کالبد ساختمان‌های مسکونی این منطقه در دوران کنونی با توجه به ابعاد و تاثیرات روانشناسانه‌اش منجر به بهبود کیفیت معماری شهری نمی‌شود و از این رو بر معماری فضای شهری این منطقه تاثیر مخربی گذاشته است. براین اساس هدف پژوهش حاضر تدوین راهبردهای ارتقای کیفیت کالبدی معماری شهری (ساختمان‌های مسکونی) از طریق تجزیه و تحلیل ابعاد روانشناسانه محیط در منطقه ۱۰ شهر تهران در راستای بهبود معماری شهری برای استفاده‌کنندگان است و سوالات مطرح این است که (۱) چگونه می‌توان با تجزیه و تحلیل ابعاد روانشناسانه محیط، راهبردهای ارتقای کیفیت کالبد معماری شهری (ساختمان‌های مسکونی) را برای استفاده‌کنندگان تدوین نمود؟ (۲) نقش مولفه‌های روانشناسانه محیط در ارتقاء کیفیت کالبدی معماری شهری (ساختمان‌های مسکونی) منطقه ۱۰ شهر تهران چیست؟

مبانی نظری

روان شناسی محیطی و مدل‌های آن

روانشناسی محیط دانشی میان رشته ایست که بر کنش و واکنش بین انسان و محیط پیرامونش تمرکز داشته است و آثار این نوع ارتباطات را مورد بررسی قرار می‌دهد (Safiullah & Ashutosh, 2017, 503). واژه محیط در تعریفی گسترده، دربرگیرنده محیط طبیعی، زمینه‌های اجتماعی، محیط مصنوع و محیط یاداندوزی می‌باشد. بطور خلاصه، به منظور بررسی مسائل مبتنی به انسان (بعنوان موضوع علم روانشناسی) و رابطه متقابلش با محیط؛ فارغ از مقیاس محیط مزبور، می‌بایست به تاثیر شرایط محیطی بر رفتار، فعالیت و عادات انسان‌ها توجه نمود (Mosharraf & Tabaeian, 2014, 762). لازم به ذکر است که عنوان این دانش، اولین بار توسط «ویلی هلیاک»^۱ و با طرح این موضوع که خورشید و ماه چگونه فعالیت انسان‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ آغاز شد (Zhu et al, 2017, 2). در سال‌های بعد از جنگ دوم، و بدلیل نیاز مبرم به توسعه روانشناسی اجتماعی و بویژه قرارگیری جوامع در شرایط تغییر سبب گردید تا روانشناسان در پی بکارگیری تئوری‌های روانشناختی در زمینه‌های مورد نظر باشند (بندرآباد، ۱۳۹۶: ۱۳۹). این اقدامات غالباً در شرایط آزمایشگاهی صورت می‌پذیرفت، به همین دلیل صحت نتایج این آزمایش‌ها در جهان واقع مورد تردید بود. در نتیجه روانشناسان محیطی اقدام به انجام مطالعات خود در محیط خارج از آزمایشگاه نمودند. امروزه روانشناسی محیطی در زمینه‌های مختلفی نظیر طراحی و معماری، برنامه‌های تلویزیونی و نیز تبلیغات کاربرد دارد (جنگجو و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۳). در رابطه با روانشناسی محیط با در اختیار داشتن مدلی از شخصیت و رفتار انسانی، امکان

طراحی، مدیریت، پیش بینی یا بازیابی محیط‌هایی ایجاد خواهد شد تا رفتار معقول یا مورد انتظار را ارتقا دهد، یا رفتارهایی را که در نبود کیفیات محیطی مورد نظر بروز خواهد کرد را پیش‌بینی نمود و موقعیت‌های مسئله‌ساز را تشخیص داد (Uzzell & Rätzl, 2019, 343). روانشناسی محیطی در پی توسعه چنین مدلی از شخصیت انسانی است. روش‌ها و گرایش‌های روانشناسی محیطی عبارتند از:

روانشناسی محیطی مساله محور: مطالعه مستقیم رابطه بین محیط و تاثیر آن بر رفتار انسان‌ها است. جنبه مشخص این دانش، بر اساس شناسایی مسئله و معضل، و متعاقب آن، جستن راه حل استوار است. منظور از مسئله، مواردی است که اکثر افراد جامعه را تحت تاثیر قرار داده و طیف وسیعی از مشکلات، مانند اثرات روانشناسی تراکم جمعیتی شهرها تا طراحی معماری بناهای عمومی و نیز از کیفیت عرصه‌های همگانی تا عرصه‌های خصوصی و خانوادگی را شامل می‌شود. مسائلی نظیر افزایش جمعیت و تراکم، آلودگی صوتی، استاندارد پایین زندگی و اضمحلال زندگی شهری سبب بروز تبعاتی برای افراد جامعه می‌گردد. بدیهی است هم مسئله موردنظر و هم راه حل ارائه شده می‌بایست در شرایط زندگی واقعی و در اثنای زندگی روزمره (و نه در شرایط آزمایشگاهی) مورد بررسی قرار گیرد (امینی و همکاران، ۲۰۱۴: ۴۰۶).

روانشناسی محیطی سازمان محور: این گرایش به بررسی افراد و اعضای گروه‌ها، جوامع و سازمان‌ها می‌پردازد. بررسی روابط داخلی اعضا و تاثیر آن بر همپیوندی جامعه هدف از ویژگی‌های این گرایش است. سایر گرایش‌ها عبارتند از: روانشناسی محیطی ارزش محور، روانشناسی محیطی رشته‌ای محور، روانشناسی محیطی فضا- زمان محور (شاهچراغی و بندر آباد، ۱۳۹۴: ۶۹).

معماری فضای شهری

شهر واقعیتی فضایی با پیامدهای جامعه شناختی نیست بلکه واقعیتی جامعه شناختی است که حدود فضایی به خود می‌گیرد (رجبی امیرآباد و رحمانی، ۱۳۹۹: ۳۳). اگر از تقابل تاثیر فیزیک شهر بر اجتماع یا اجتماع بر فیزیک شهر در این گفتار بگذریم که مطلبی در خور، لیکن فضای لازم و دیگری را برای بحث می‌طلبید، زیمل در این گفتار که در زمانی پس از گذار از دوران صنعتی و در فضای مدرنیسم ایراد کرده، تاکید بر ساختار جامعه شناختی شهر و اولویت آن در تعریف و ماهیت وجودی شهر می‌کند و می‌توان دریافت که وی ویژگی‌های عملکردی دیگر را که در قالب فیزیک شهر تبلور می‌یابد را در درجه اهمیت کمتری نسبت به عامل اجتماعی قرار می‌دهد (رضوانی، ۱۳۹۵: ۵۷). بی‌تردید این توجه و نشانه روی به سوی مباحث کیفی اجتماعی و جامعه، وجه تمایز تعاریفی است که می‌توان از شهر بر اساس علت وجودی آن، در گذشته و پیش از مدرن در مقابل شهرهای بعد از مدرن داد. شهرهای اولیه علت وجودی خود را نه از تمایل به زیست اجتماعی که این قبلاً در مجموعه‌های زیستی چون روستاها یا دهکده‌ها و مانند آن نیز وجود داشته است بلکه به دلایل سیاسی و یا مذهبی و یا هر دو یافته بودند (Ghosh, 2022, 136). از شهر- مذهب‌های بین‌النهرین و مصری گرفته تا شهر- قدرت‌های مادی همه مظهر تبلور نیاز به تسلط و سلطه مذهبی یا حکومتی بوده‌اند و حال آنکه چنین دلایلی برای وجود و توسعه شهرها در انتهای هزاره دوم و ابتدای هزاره سوم میلادی همگام با تغییرات بنیادین در تمدن بشری، دیگر گونه است و تعریف زیمل از شهر نشان از تاکید و اصراری است بر اولویت علت وجودی و توسعه شهرها با نگاهی پسامدرن: پاسخگویی به نیازهای بنیادین همزیستی و تعامل اجتماعی (Behzadfar and Mahmoodi, 2009, 35). لذا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان بیان نمود که شهرها در رقابتی شدید و سریع در رشد تمدن بشری مسئولیتی یافته‌اند که انتظار ما را از این نوع از مجموعه زیستی بسیار بیش از تعاریف اولیه و محدود آن بالا می‌برد و به خصوص با توسعه دموکراسی و حق حضور و مشارکت و نقش مردم در توسعه و تکامل این نوع از ساختار دست ساخت بشر، فعالیت‌های اجتماعی و جمعی در آن اساس و بنیان این توسعه بوده و شهرها محملی برای این تعاملات اجتماعی هستند (آرامی و محمودی کامل آبادی، ۱۴۰۱: ۱۵۶۶). با این انتظار بسیاری از شهرهای کنونی از زمره شهر خارج می‌شوند و فقط می‌توانند عنوان یک مجموعه زیستی را به خود بگیرند و جالب خواهد بود هر گاه با این نگرش مروری مجدد بر انواع به اصطلاح شهرهای حاضر جهان در هزاره سوم کرده، با اطمینان بسیاری از شهرهای حتی بزرگ و موسوم به کلانشهر را از زمره شهرهای واقعی خارج

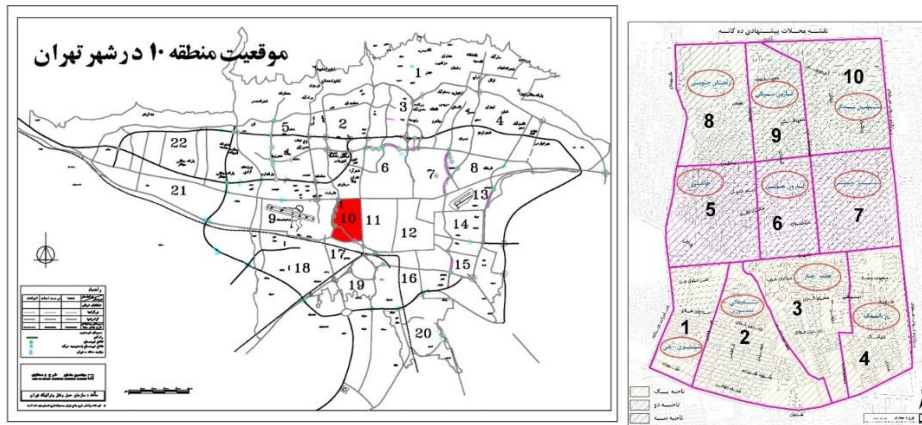
کنیم و لازم می‌آید برای آنها نام دیگری اختیار گردد تا شخصیت و ماهیت "شهر" به عنوان مجموعه‌ای پاسخگو به نیازهای اجتماعی شهروندان و حضور و مشارکت آنها که معیار و محک اصلی این سنجش و فرصتی برای توسعه فرهنگی است، مختل نگردد (Bounds, 2004, 63).

فضای شهری و کیفیت محیط کالبدی

کیفیت فضای عمومی شهری، چگونگی این فضا برحسب برجسته‌ترین نموها و حالت‌های آن است که بر فرد و اجتماع تأثیر می‌گذارد و چون در این عرصه‌هاست که افراد شخصیت اجتماعی خود را شکل می‌دهند؛ معیار سنجشی برای میزان مطلوبیت شهرها محسوب می‌گردد. براین اساس، متخصصین مختلفی در زمینه کیفیات و ابعاد محیط‌های شهری به مطالعه پرداخته و نظریات خود را در این زمینه، مطرح ساخته‌اند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۶). از اصلی‌ترین مولفه‌های فضای شهری کالبد بناهای شهری است که متشکل از عناصر فرمی، نماد و نشانه، برجستگی، مصالح، نورپردازی و غیره است (خستو و حبیب، ۱۳۹۵: ۳۵). نوعی که در تعریف کیفیت فضای شهری وجود دارد از یک سو و ادراک سلسه مراتبی انسان که موجب می‌شود، کیفیت شیء از دو منبع یعنی؛ عرصه عینی و عرصه ذهنی سرچشمه گیرد، باعث شده تا انواع کیفیت وجود داشته باشد. به طور کلی کیفیت، چگونگی یک پدیده است که تأثیر عقلانی - عاطفی خاصی بر انسان می‌گذارد (برزگر و همکاران، ۱۴۰۱: ۹). در سال‌های اخیر مطالعات متعددی در رابطه با شاخص‌های بهبود کیفیت محیطی صورت گرفته است و تا به حال تعداد زیادی از صاحب نظران کیفیت‌های متعددی را برای دستیابی به یک محیط شهری باکیفیت معرفی کرده‌اند، اما نظریات ارائه شده دارای دوگانگی می‌باشند (رسول پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹). برخی نظریات که بر عرصه عینی شیء تأکید می‌کنند به کیفیت محیط شهری به مثابه کیفیت و صفتی که ذاتی محیط کالبدی بوده و به شکل مستقل از ناظر وجود دارد، نگریده‌اند، به نحوی که کیفیت محیط به طور مشخص از "فرم" محیط نشأت می‌گیرد. دسته دوم که بر عرصه ذهنی فرد تکیه می‌کنند، کیفیت محیط شهری را به مثابه "پدیدار" یا "رویدادی" که در جریان دادوستدی میان خصوصیات کالبدی و محسوس، از یک طرف و الگوها و رمزه‌های فرهنگی و توانایی‌های ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد، معرفی می‌نماید. در رابطه با ابعاد موثر بر ارتقاء کیفیت کالبد فضای شهری می‌توان به ابعاد هویت - فرهنگ‌های مونی با بستر، نفوذپذیری، غنای حسی، مقیاس انسانی، خوانایی و انعطاف پذیری اشاره نمود (Rad Jahabani & Partovi, 2012: 63).

منطقه ۱۰ شهر تهران

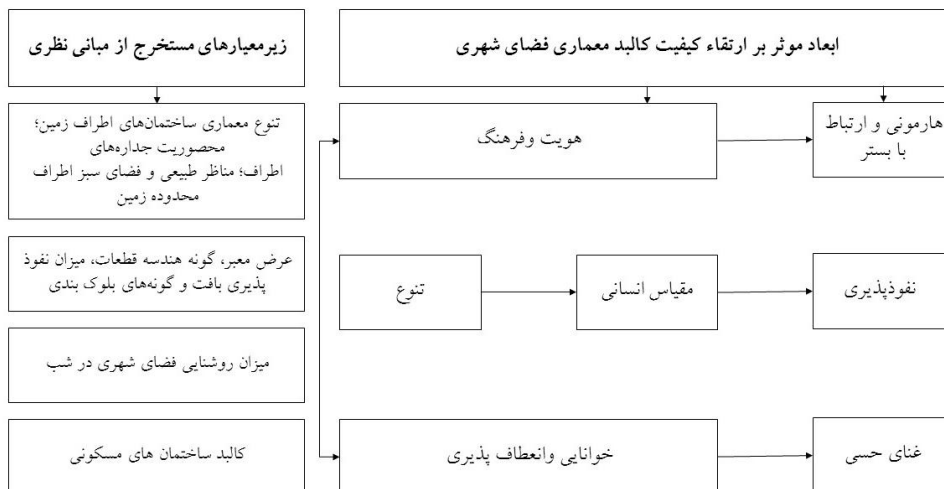
منطقه ۱۰ شهر تهران با ۸۱۷ هکتار مساحت، کوچک ترین منطقه شهرداری تهران بعد از منطقه ۱۷ است. این منطقه دارای سه ناحیه و ده شورایی می‌باشد. جمعیت منطقه در حدود ۳۲۰ هزار نفر و با تراکم ناخالص جمعیتی حدود ۴۲۰ نفر در هکتار بوده که از این حیث، از پرتراکم‌ترین مناطق شهر تهران در بین مناطق ۲۲ گانه محسوب می‌شود و جمعیت این منطقه حدود چهار برابر حد استاندارد و دو برابر میانگین تراکم در شهر تهران است. همچنین این منطقه با قدمت بیش از ۸۰ سال، در محدوده مرکزی شهر و در مجاورت تهران ناصری قرار گرفته است. منطقه ۱۰ شهر تهران از شمال به خیابان آزادی، از شرق به بزرگراه نواب، از جنوب به خیابان قزوین و از غرب به خیابان‌های شهیدان و هرمزان محدود شده است و گلوگاه دسترسی به فرودگاه امام در جنوب و ترمینال غرب و فرودگاه مهرآباد در غرب و بازار تهران در شرق می‌باشد. همچنین این منطقه از شمال با منطقه دو، از جنوب با منطقه هفده، از غرب با منطقه نه، و از شرق با منطقه یازده هم مرز است. لازم به ذکر است که این منطقه به مانند جزیره‌ای میان دو شاهراه نواب صفوی و یادگار امام و دو خیابان آزادی و قزوین قرار گرفته است و از حیث موقعیت در فاصله مناسبی از مرکز شهر و بازار تهران قرار گرفته است و از طریق شریان‌های درون شهری نظیر نواب، یادگار امام، خیابان آزادی، قزوین و امام خمینی دسترسی مناسبی به سطح شهر تهران دارد (شکل ۱).



شکل ۱. موقعیت منطقه ۱۰ شهر تهران و محلات آن، (شهرداری تهران، ۱۴۰۰)

معیارهای کیفیت کالبد معماری منطقه ۱۰ شهر تهران

با توجه به مبانی روانشناسی محیطی و همچنین کیفیت کالبد معماری فضای شهری، معیارها و شاخص‌های بدست آمده در شکل ۲ ارائه شده است.



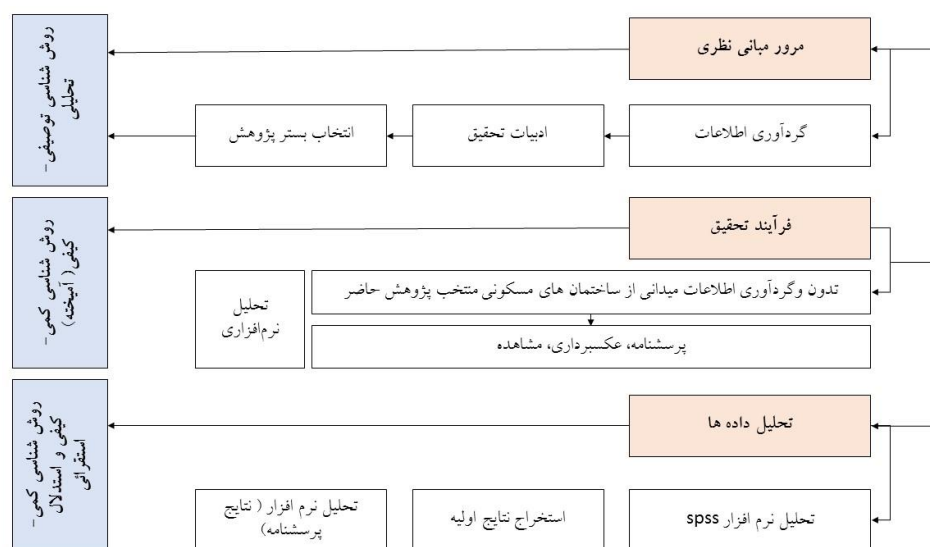
شکل ۲. استخراج زیرمعیارهای کالبدی معماری فضای شهری برگرفته از مبانی نظری

روش تحقیق

این تحقیق رویکردی کیفی- کمی را پیش گرفته است. روش تحقیق پژوهش توصیفی- تحلیلی است. شیوه گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است. در بخش مفاهیم و دیدگاه‌های نظری و مطالعات پیشین صورت گرفته از روش تحقیق توصیفی استفاده شده است. در این روش ابتدا مقالات، کتب و رساله‌های معتبر خارجی و داخلی مورد سنجش واقع شدند و سپس با بکارگیری تکنیک فیش برداری، محتویات مناسب و کارآمد از آن‌ها استخراج و ساختار محتوایی بخش‌های تئوری تدوین گردید. سپس در بخش یافته‌ها از داده‌های کمی با ابزار پرسشنامه و تحلیل آن‌ها با آزمون تحلیل واریانس یکطرفه و رگرسیون، انجام گرفت (شکل ۳).

لازم به ذکر است که جامعه آماری پژوهش را کلیه ساختمان‌های مسکونی در منطقه ۱۰ شهر تهران و تعداد ۲۴۷ نفر از ساکنان منطقه ۱۰ شهر تهران (محل ۳ و ۴) تشکیل داده‌اند که نمونه‌گیری از میان جامعه آماری با استفاده از فرمول کوکران انجام

گرفت و نمونه‌گیری از میان ساختمان‌های مسکونی به صورت نمونه‌گیری هدفمند بوده است. ضمناً نحوه انتخاب ساختمان‌های مسکونی بدین صورت بوده است که در ابتدا چندین منطقه از شهر تهران که دارای خصوصیات معماری متفاوتی بودند، انتخاب و مورد شناخت واقع شدند. سپس از میان مناطق مختلف، منطقه ۱۰ شهر تهران به دلیل اینکه یکی از مناطق قدیمی است که در حدود یک قرن پیش شکل گرفته است. بافت شهری و معماری این منطقه قدیمی و بسیار متراکم است و قدیمی‌ترین محلات آن به سال ۱۳۰۴ و جدیدترین محلات آن به سال ۱۳۵۳ باز می‌گردد. ضمن آنکه بیشترین ساختمان‌های این منطقه مسکونی هستند که از این رو این منطقه منتخب رساله حاضر گردید.



شکل ۳. روش تحقیق

یافته‌های تحقیق

همانطور که در جدول (۱) نشان داده شده است، در جهت نرمال بودن توزیع داده‌ها، مقدار آماره Z برابر با $0/648$ و سطح معناداری حاصل، $0/738$ است ($p < 0/05$). حال از آنجایی که مقدار Z در سطح خطای کمتر از $0/05$ دارای معنی نمی‌باشد، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد تأیید است. در این راستا دیگر پیش فرض مورد سنجش، کفایت نمونه مورد مطالعه، برای انجام تحلیل عاملی است. با توجه به آزمون‌های انجام شده، مشخص گردید که میزان آماره KMO برابر با $0/845$ می‌باشد. حال از آنجایی که این میزان از $0/7$ بیشتر است، می‌توان اذعان نمود که، داده‌های بدست آمده پژوهش می‌توانند به تعدادی مولفه‌های زیربنایی و مکنون تقلیل یابند. ضمن آنکه با مستندسازی از میزان آماره مجذور کای ($2/312$) در آزمون کرویت بارتلت، مشخص شد و سطح معناداری $0/0001$ بدست آمد. از این رو با توجه به معنادار بودن عدد استخراج شده از آزمون مجذور کای، می‌توان دریافت که میان گویه‌های درون تک تک مولفه‌های زیربنایی، همبستگی بالایی وجود دارد و از دیگر سو میان گویه‌های یک مولفه با گویه‌های مولفه‌های دیگر، همبستگی خاصی وجود ندارد. لذا در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اذعان نمود که مطابق با نتایج آزمون kmo و بارتلت نمونه مورد مطالعه (منطقه ۱۰ شهر تهران) جهت انجام تحلیل عاملی کفایت مورد تأیید را دارد.

جدول ۱. جمع بندی بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها و کفایت نمونه گیری در منطقه ۱۰ شهر تهران

آزمون کرویت بارتل			شاخص کفایت نمونه گیری کیزر-میر-اولکین	آزمون کولموگروف اسمیرنف	
سطح معناداری	درجه آزادی	مجذور کای		سطح معناداری	آماره Z
۰/۰۰۰	۲۵۳	۲/۳۱۲	۰/۸۴۵	۰/۷۳۸	۰/۶۸۴

با توجه به مولفه‌های عنوان شده، در ادامه در جداول (۲و۱) نتایج به دست آمده از آزمون‌های تحلیل واریانس یکطرفه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره براساس معیارهای کالبد معماری فضای شهری در منطقه ۱۰ شهر تهران مشخص گردیده است. طبق نتایجی که از آزمون‌های تحلیل واریانس یکطرفه در خصوص معیارهای کالبدی مشخص شده در منطقه ۱۰ شهر تهران به ارتقاء کیفیت کالبد معماری این منطقه، به دست آمد در این منطقه معیار هارمونی و ارتباط با بستر و خوانایی و انعطاف پذیری به عنوان مؤثرترین معیارها بر ارتقاء کیفیت کالبد معماری فضای شهری این منطقه می‌باشند. در واقع طبق نتایج به دست آمده از آزمون‌های صورت گرفته در این منطقه، مشخص گردید که هارمونی و ارتباط با بستر با میزان آماره ۴۵/۰۸۰ و اختلاف میانگین ۲/۵۹۴۳۳ و همچنین معیار خوانایی و انعطاف پذیری با آماره ۴۴/۳۵۹ و اختلاف میانگین ۲/۶۰۸۵۰ به ترتیب در رتبه اول و دوم تأثیرگذاری بر ارتقاء کیفیت کالبد معماری فضای شهری منطقه ۱۰ شهر تهران هستند. به عبارتی دیگر طبق آنچه که از برداشت‌های میدانی و پاسخ ساکنان این منطقه به پرسشنامه‌های توزیع شده در این منطقه و آزمون این پرسشنامه‌ها به دست آمد، مشخص گردید که این دو معیار بالاترین میزان تأثیرگذاری را دارند. در گام بعدی زیر معیارهای هریک از این معیارهای اصلی نیز مورد بررسی قرار گرفته است تا نگاه دقیقتری به این مهم داشت و در این رابطه اطلاعات جامع تری را کسب نمود. همانطور که در جدول (۱) مشخص است، در هر یک از معیارهای اصلی کالبدی زیرمعیارهایی وجود دارد و طبق آزمون تحلیل واریانس یکطرفه صورت گرفته میزان تأثیرگذاری هر یک نیز مشخص گردیده است. آنچه از نتایج این جدول به دست می‌آید در معیار رتبه اول این بررسی (هارمونی و ارتباط با بستر) زیرمعیارهای (فرم، رنگ، مصالح ساختمان‌ها)؛ و از معیار (خوانایی و انعطاف پذیری) زیر معیارهای (شکل، رنگ، نظم) به ترتیب در رتبه های اول و دوم این تأثیرگذاری ارتقاء کیفیت کالبد معماری فضای شهری منطقه ۱۰ تهران از طریق معیار اصلی هارمونی و ارتباط با بستر هستند. این به آن معنی است که با استفاده از این دو زیرمعیار میتوان بر معیار اصلی هارمونی و ارتباط با بستر تأثیر گذاشت و این نکته در طراحی و برنامه ریزی برای کالبد معماری این منطقه می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد. البته باید توجه داشت که هر چند سایر معیارها بر حسب امتیازات آزمون در رتبه‌های پایینی از لحاظ اهمیت قرار دارند؛ اما این معیارها نیز هر یک به اندازه خود تأثیرگذارند.

❖ باید توجه داشت که همان طور که در نتایج بررسی‌ها مشخص شد، معیار هارمونی و ارتباط با بستر همراه با خوانایی و انعطاف پذیری تأثیرگذاری بالایی را در میزان ارتقاء کیفیت کالبد معماری فضای شهری منطقه ۱۰ شهر تهران دارند (جدول ۲).

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معیارهای پژوهش

معیارهای اصلی	آماره	ضریب معناداری	اختلاف میانگین	زیرمعیارها	آماره	ضریب معناداری	اختلاف میانگین
هارمونی و ارتباط با بستر	۴۵/۰۸۰	۰/۰۰۰	۲/۵۹۴۳۳	تناسبات	۳۴/۰۰۱	۰/۰۰۰	۲/۲۲۸۷۴
				مقیاس انسانی	۳۷/۸۴۳	۰/۰۰۰	۲/۹۸۲۴۰
				فرم، رنگ، مصالح ساختمان‌ها	۴۰/۶۵۶	۰/۰۰۰	۲/۵۷۱۸۲
				فضای سبز	۳۷/۴۵۸	۰/۰۰۰	۲/۵۶۳۰۵

۲/۵۶۳۰۵	-/۰۰۰	۳۵/۰۹۸	عدم وجود ازدحام ساختمان‌ها				
۲/۳۶۹۵۰	-/۰۰۰	۳۵/۰۵۴	توجه به دید از بیرون به درون				
۲/۳۳۱۳۸	-/۰۰۰	۴۰/۹۳۴	نمایانی و خوانایی فرمی بناها	۲/۶۱۵۴۲	-/۰۰۰	۳۷/۵۰۰	فرهنگ و هویت
۲/۳۵۶۳۸	-/۰۰۰	۳۰/۴۸۵	مصالح ساختمان‌ها				
۲/۵۶۹۵۰	-/۰۰۰	۴۲/۴۸۴	نوع معماری ساختمان‌ها				
۲/۳۶۹۵۰	-/۰۰۰	۳۷/۵۶۸	حجم های پر و خالی				
۲/۳۳۱۳۸	-/۰۰۰	۳۶/۰۱۶	وضعیت نفوذ پذیری قلمروها	۲/۹۸۲۵۵	-/۰۰۰	۴۳/۱۰۹	نفوذپذیری
۲/۵۶۶۵۰	-/۰۰۰	۳۸/۹۳۴	وضعیت دسترسی‌ها				
۲/۵۶۹۵۰	-/۰۰۰	۳۸/۲۷۴	خط آسمان				
۲/۵۷۱۸۲	-/۰۰۰	۴۰/۰۱۹	شکل، رنگ، نظم				
۲/۵۷۱۸۲	-/۰۰۰	۴۰/۹۳۴	فرم ساختمان‌ها				
۲/۳۶۹۵۰	-/۰۰۰	۳۵/۰۵۴	میزان تراکم	۲/۹۸۲۵۵	-/۰۰۰	۴۱/۵۹۷	غنای حسی
۲/۳۶۹۵۰	-/۰۰۰	۳۹/۹۸۵	ارتباط با محیط				
۲/۳۳۱۳۸	-/۰۰۰	۳۸/۹۳۴	دسترسی				
۲/۵۶۶۵۰	-/۰۰۰	۴۰/۰۱۹	شکل، رنگ، نظم	۲/۶۰۸۵۰	-/۰۰۰	۴۴/۳۵۹	خوانایی و انعطاف پذیری
۲/۴۶۹۳۷	-/۰۰۰	۳۸/۰۳۵	سازمان دهی فضایی				
۲/۳۶۹۵۰	-/۰۰۰	۳۷/۸۴۳	تناسبات				
۲/۳۹۱۳۸	-/۰۰۰	۳۶/۰۴۵	ارتفاع ساختمان‌ها	۲/۸۴۴۵۷	-/۰۰۰	۴۳/۳۵۹	مقیاس انسانی
۲/۵۶۶۵۰	-/۰۰۰	۴۰/۹۳۴	فرم و ساختار ساختمان‌ها				
۲/۵۶۱۳۸	-/۰۰۰	۳۰/۴۸۵	مصالح ساختمان‌ها				
۲/۳۶۹۵۰	-/۰۰۰	۴۰/۰۱۹	رنگ و شکل	۲/۵۰۵۸۷	-/۰۰۰	۳۷/۸۹۴	تنوع
۲/۳۱۵۳۵	-/۰۰۰	۳۸/۰۸۵	نورپردازی				

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه معیارهای کالبدی

میزان تأثیر	معناداری	میزان تبیین کنندگی	ضریب همبستگی	مدل
۰/۹۴۸	۰/۰۰۰	۰/۸۹۸	۰/۹۴۸	هارمونی و ارتباط با بستر
۰/۷۶۰	۰/۰۰۰	۰/۵۷۸	۰/۷۶۰	فرهنگ و هویت
۰/۸۴۱	۰/۰۰۰	۰/۶۷۴	۰/۸۴۱	نفوذپذیری
۰/۸۲۱	۰/۰۰۰	۰/۶۷۴	۰/۸۲۱	غنای حسی
۰/۸۹۹	۰/۰۰۰	۰/۸۰۸	۰/۸۹۹	خوانایی و انعطاف پذیری
۰/۸۳۵	۰/۰۰۰	۰/۶۹۸	۰/۸۳۵	مقیاس انسانی
۰/۷۳۴	۰/۰۰۰	۰/۵۰۶	۰/۷۳۴	تنوع

عناصر کالبدی معمارانه شهری از طریق ساختمان های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران

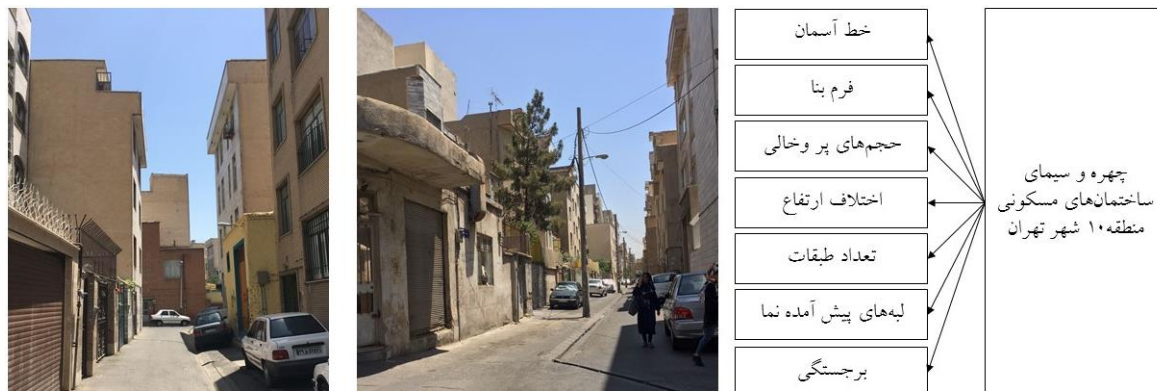
ساختمان‌های مسکونی که بیشترین حجم کالبد معماری را در این منطقه تشکیل می‌دهند، دارای درصد پایینی از واحدهای نوساز و به میزان قابل توجهی دارای پلاک‌های قابل تخریب و فرسوده می‌باشد. سهم بیش از ۵۰ درصد این پلاک‌ها بیانگر وضعیت اقتصادی پایین ساکنین این منطقه است، ضمن آنکه مقایسه واحدهای تخریبی و فرسوده با واحدهای نوساز و یا در حال ساخت نشان می‌دهد که فاصله قابل ملاحظه‌ای میان کالبد این بناها با یکدیگر وجود دارد. لازم به ذکر است که با توجه

به بررسی‌های انجام شده و مطالعات میدانی مشخص گردید که کالبد بناهای این منطقه حداقل ۲۰ سال قدمت دارند. ضمن آنکه مصالح این بناها از آجر و آهن است (شکل ۴).



شکل ۴. ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران

(۱) چهره و سیمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران
چهره و سیمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران همسو با کالبد معماری ساختمان‌های مسکونی این منطقه ۱۰ در فرم بنا، تعداد طبقات، برجستگی، خط آسمان، حجم‌های پر و خالی و اختلاف ارتفاعات و لبه‌های پیش آمده در نما است که در شکل (۵-۷) تحلیل گشته است.



برجستگی تنها در پیشانی بنا.
عدم استفاده از حجم‌های پر و خالی و عدم وجود اختلاف ارتفاع و تعداد طبقات در بناها.
خط آسمان غیر ممتد.
فرم ساختمان‌ها نامناسب.
وجو لبه‌های پیش آمده از نما به صورت نایکسان.

شکل ۵. وضعیت چهره و سیمای کالبد ساختمان‌های منطقه ۱۰ شهر تهران



رنگ تمامی ساختمان‌های مسکونی آجری و یا قهره‌ای-کرم است. میزان تبخیر در ساخت که در ایجاد و تأثیر بصری در این بناها دیده نمی‌شود. مصالح غالباً آجر و گاه‌آ سنگ و اکثر ساختمان‌های این منطقه به دلیل قدمت مصالح نامناسبی دارند. فرم یکسان و غالب مستطیل شکل در تمامی ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران.

شکل ۶. وضعیت عناصر کالبدی در کالبد ساختمان‌های منطقه ۱۰ شهر تهران



به دلیل اختلاف در ارتفاع بناها و به دلیل پردازش کالبد بنا نظم وجود ندارد. تنوع با توجه به مصالح و اختلاف ارتفاع ساختمان‌های مسکونی رقم خورده است. سازه بناها به دلیل قدیمی بودن نامناسب است. تناسبات بصری با توجه به کالبدهای گوناگون ساختمان‌های مسکونی وجود ندارد.

شکل ۷. وضعیت عناصر به وجود آورنده کیفیت کالبد معمارانه ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران همسو با معماری شهری

کیفیت کالبدی معماری شهری از طریق مولفه‌های روانشناسانه محیط در منطقه ۱۰ شهر تهران
 مولفه‌های روانشناسانه محیط از طریق کالبد معماری در فضاهای شهری بر مردم اثر می‌گذارد و کیفیت کم‌رنگ شده یا از بین رفته در فضاهای شهری را از طریق اقدامات کالبدی - عملکردی مناسب خواناسازی می‌کنند. از این رو جدول (۳) نشان می‌دهد که مولفه‌های روانشناسانه محیط در منطقه ۱۰ شهر تهران در سه زمینه کالبد، عملکرد و ارتباط با زمینه می‌تواند ویژگی‌های کالبد معماری این منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و از این رو اقدامات صحیح منجر به ارتقاء کیفیت کالبدی معماری شهری می‌شود.

جدول ۳. ارتقاء کیفیت کالبدی معماری شهری از طریق مولفه‌های روانشناسانه محیط در منطقه ۱۰ شهر تهران

عوامل	معانی	فعالیت	ویژگی‌های کالبدی
کالبد	پ	ب	آ
ارتباط با زمینه	ج	ث	ت
عملکرد	ح		چ

با توجه به جدول فوق، مشخص شد که نخست ویژگی‌های کالبدی و فعالیت‌ها از جنبه‌های مهم روانشناسی محیطی و موثر بر ارتقاء کیفیت کالبد معماری فضای شهری به شمار می‌آیند و از این رو مولفه‌های کالبدی به شدت بر این امر تاثیرگذار هستند؛ دوم این که ارتباط کالبدی و ارتباط عملکردی معماری فضای شهری در این منطقه با محیط اطراف، نیز معانی فضایی را خلق نموده و در نتیجه می‌توان ادعان نمود که:

آ. نوع و ساختار ساختمان‌های مسکونی در منطقه ۱۰ شهر تهران، بخش مهمی از مولفه‌های تاثیرگذار و شکل‌دهنده کیفیت کالبد معماری فضای شهری این منطقه هستند. مداخله در این امر - به عنوان یکی از مولفه‌های روانشناسی محیطی - مداخله در کیفیت کالبد معماری فضای شهری را به همراه دارد. (لذا می‌توان با تغییر مولفه‌های کالبدی (فرم، رنگ، مصالح، ساختار ساختمان‌های مسکونی در منطقه ۱۰ شهر تهران) به ارتقاء کیفیت کالبد معماری فضای شهری این منطقه نائل آمد. چرا که اکنون ساختمان‌های مسکونی این منطقه به لحاظ کیفیتی بسیار ضعیف و تاحدودی مخروبه و قدیمی هستند.

ب. ارتباط کالبدی ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران با محیط و بستر پیرامون به گونه‌ای است که بخشی از وظیفه کیفیت فضای شهری مطلوب را در این منطقه برعهده دارند. (با توجه به وجود ساختمان‌های مسکونی بسیار در این منطقه).

پ. ساختارهای کالبدی عناصر معمارانه فضای شهری در منطقه ۱۰ شهر تهران، معانی مشخصی دارد. از این رو با تغییر و مداخله در عناصر کالبدی آن‌ها، انتقال معانی تقویت شده و کیفیت محیطی بهبود می‌یابد. همین امر سبب می‌شود تا محیط برای مردم آشنا باشد تا بتواند ارتباط انسان - محیط را در طول زمان حفظ کند.

ت. معماری فضای شهری این منطقه در زمان ساخته شدن، رابطه کالبدی متناسبی با بستر اطراف خود نداشته است.

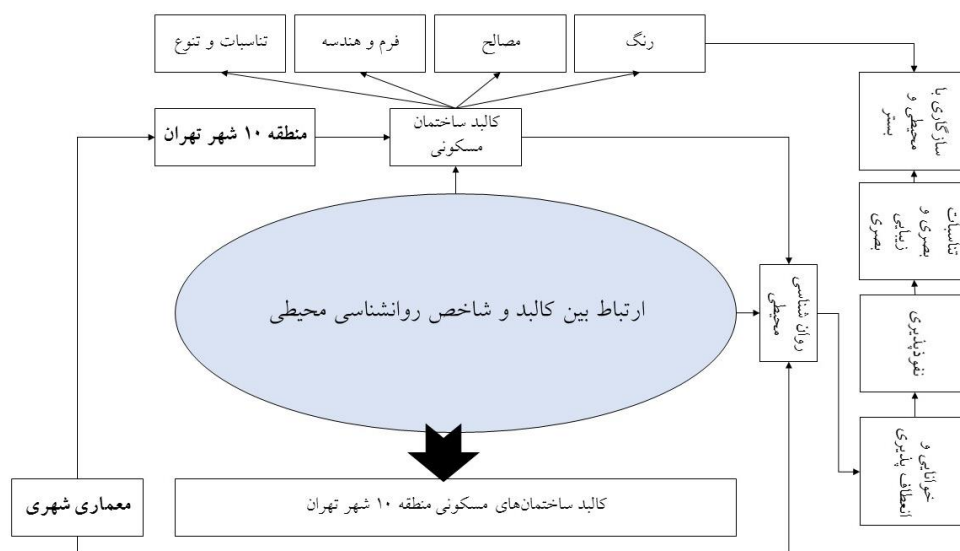
ث. یکی از راه‌های ارتباط معمارانه فضای شهری با زمینه و محیط اطرافش، مشارکتش در ایجاد محیطی با کیفیت در جهت انجام فعالیت‌های جمعی و بهبود تعاملات اجتماعی است.

ج. بخشی از معنادار بودن کالبد معماری ساختمان‌های مسکونی در منطقه ۱۰ شهر تهران وابسته به نوع مولفه‌های روان شناسی محیطی این منطقه، در رابطه با بناهای همجوار در بافت شهری است که دخل و تصرف در این ارتباط به شکل کالبدی یا عملکردی، کیفیت کالبد معماری فضای شهری این منطقه ارتقا می‌دهد.

چ. عملکرد ساختمان‌های مسکونی در منطقه ۱۰ شهر تهران، ویژگی‌های کالبدی مشخصی را خلق نموده است. به عبارتی دیگر ویژگی‌های کالبد معمارانه این ساختمان‌ها براساس عملکردهای اولیه آنها شکل گرفته است و توجه به این ویژگی‌ها به معنای توجه به کیفیت بناها است که این امر موجب ارتقاء کیفیت کالبد معمارانه فضای شهری این منطقه می‌شود.

ح. عدم توجه به حضور مولفه‌های روانشناسی محیطی هنگام ساخت کالبد معماری فضای شهری در منطقه ۱۰ شهر تهران موجب تخریب کیفیت کالبد معمارانه ساختمان‌های مسکونی در فضای شهری این منطقه شده است.

به طور کلی ارتباط میان کالبد ساختمان‌های مسکونی و شاخص روانشناسی محیطی و مولفه‌های آن در قالب شکل ۸، ارائه شده است:



شکل ۸. مدل ارتباط میان کالبد ساختمان‌های مسکونی و روان‌شناسی محیطی

حال با توجه به موارد مطرح شده می‌توان اذعان نمود که الگوهای کالبدی معماری ساختمان‌های مسکونی در فضای شهری منطقه ۱۰ تهران دارای آسیب‌پذیری بسیاری هستند و غالباً به صورت قدیمی می‌باشند که همین عوامل موجب کاهش کیفیت معماری شهری این منطقه گشته است و این منطقه بسیار ضعیف ارزیابی شده است. ضمن آنکه الگوهای روانشناسی محیطی که مرتبط با خوانایی، انعطاف‌پذیری، کیفیت کالبدی، هماهنگی با بستر و زمینه طرح، تناسبات بصری، زیبایی بصری و سرزندگی است، در کالبد ساختمان‌های مسکونی این منطقه به شدت در وضعیت پایینی قرار دارد. لذا ارتقاء کیفیت کالبدی ساختمان‌های مسکونی در جهت ارتقاء کیفیت کالبد معماری شهری این منطقه وابسته به عوامل مطرح شده پیرامون عناصر اصلی رویکرد روانشناسانه محیطی هستند. حال از میان این مولفه‌ها، مولفه‌های هماهنگی با بستر و زمینه، خوانایی و انعطاف‌پذیری مولفه‌هایی از روانشناسی محیطی مرتبط با معماری شهری هستند که اگر در کالبد ساختمان‌های مسکونی در هنگام طراحی، مد نظر معماران و طراحان قرار گیرد، به خوبی می‌تواند ساختمان مسکونی را به بستر پیوند زند و برای مخاطبین و ساکنین این منطقه، وجوه روانشناسی محیطی را که منجر به بهبود ارتباط آن‌ها با محیط زندگی‌شان می‌گردد، را رقم بزند.

بررسی وضعیت ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران مبتنی بر مدل کیفیتی روانشناسی محیطی
 با توجه به بررسی‌های انجام شده از وضعیت کالبد ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران می‌توان اذعان نمود که این ساختمان‌ها به دلیل قدمت زیاد و وضعیت کالبدی قدیمی و نامناسب نتوانسته‌اند با مولفه‌هایی همچون سازگاری با محیط، انعطاف‌پذیری، سرزندگی، پایداری و زیبایی بصری هماهنگ و سازگار باشند (جدول ۴).

جدول ۴ بررسی وضعیت ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ مبتنی بر مدل کیفیتی روانشناسی محیطی

مدل / کیفیت	سازگاری با محیط	نفوذ پذیری	عدم تخریب محیط	انعطاف پذیری	سرزندگی	خوانایی	تناسبات بصری	پایداری	زیبایی بصری
ساختمان‌های مسکونی	-	*	-	-	-	*	*	-	-

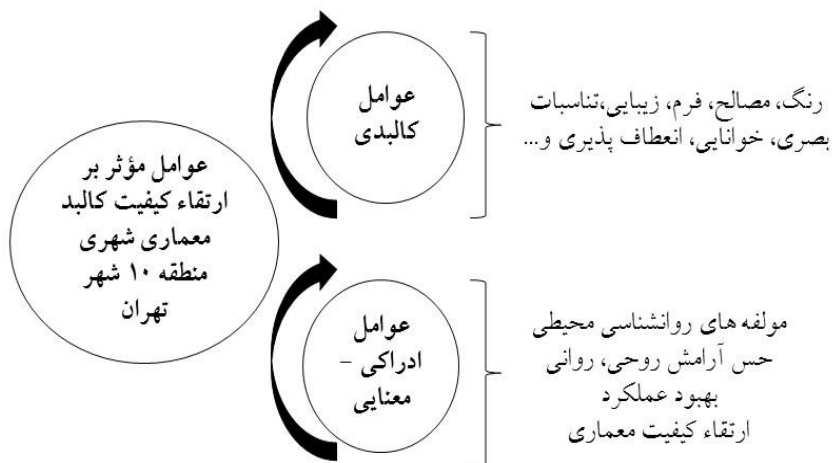
با توجه به جدول فوق می‌توان بیان نمود که:

- ❖ کیفیت سازگاری این ساختمان‌ها با مولفه‌های محیطی به دلیل عدم مطلوبیت در کالبد و عملکرد، بسیار پایین است.
 - ❖ کیفیت تنوع و گوناگونی به دلیل عدم استفاده از مصالح مناسب در ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران و قدیمی بودن این بناها وجود ندارد.
 - ❖ حضور متداوم افراد امکان برخوردها و تعاملات اجتماعی را افزایش داده و این عاملی بر پویایی فضا است. عوامل تاثیرگذار بر حضور افراد و تداوم این حضور، در اجتماعی بودن فضا موثرند؛ حال به دلیل آنکه در این منطقه از شهر تهران، قدمت بناها بسیار بالا است و به لحاظ کالبد معماری ضعیف هستند، تعاملات اجتماعی و سرزندگی نیز رخ نمی‌دهد.
 - ❖ با توجه به عدم برخورداری این ساختمان‌ها از کیفیت کالبدی، این ساختمان‌ها از کیفیت انعطاف‌پذیری نیز برخوردار نیستند.
 - ❖ ابعاد و اندازه و به طور کلی تناسبات، شکل و مولفه‌هایی همچون رنگ، مصالح از اصلی‌ترین مولفه‌های کالبدی این ساختمان‌ها هستند که بر ادراک مخاطب تاثیر می‌گذارند و به همین نسبت بر محیط نیز تاثیر دارند. با توجه به کالبد معماری ساختمان‌های مسکونی این منطقه کیفیت تناسبات بصری نیز مناسب نیست.
 - ❖ عدم آلودگی محیط، استفاده بهینه از انرژی و توجه به اکوسیستم‌ها و عدم صدمه رسانی به آن‌ها، از موارد موثر به پایداری یک محیط می‌باشند، که با توجه به قدمت ساختمان‌های مسکونی شهر تهران، پایین بودن عمر ساختمان‌های مسکونی این منطقه، عدم رسیدگی به بناها و... پایداری نیز لطمه دیده است.
- با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده و از آنجایی که ابعاد روانشناسانه محیطی در ارتباط با کیفیت کالبد معماری مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران وابسته به عناصر و مولفه‌های کالبدی، عوامل هویتی و فرهنگی و عوامل امنیتی است، می‌توان اذعان نمود که مولفه‌های تدوین و فهم ابعاد روانشناسانه محیط عبارتند از:
- مولفه‌های محیطی و تاثیرگذار بر کالبد بنا: همچون مصالح، رنگ، فرم، تزئینات، تناسبات بصری، خط آسمان بناها. مولفه‌های عملکردی: همچون خوانایی، انعطاف‌پذیری، کارکرد، هماهنگی ساختمان با بستر، پایداری و ماندگاری. مولفه‌های ادراکی: مولفه‌هایی همچون خاطره انگیزی، حس تعلق.
- از این رو شناخت این مولفه‌ها که جملگی از ابعاد روانشناسانه محیطی هستند و بر ادراکات و احساسات مخاطبین محیط‌های شهری تاثیر شگرف می‌گذارند، موجب ارتقاء کیفیت کالبدی معماری شهری مناطق مختلف شهرها می‌شوند که این مهم با توجه به بررسی منطقه ۱۰ شهر تهران و کیفیت کالبد ساختمان‌های مسکونی آن تجلی نمود. لذا در یک جمع بندی کلی می‌توان اذعان نمود که نقش مولفه‌های روانشناسانه محیطی موجب ارتقاء کیفیت کالبدی معماری شهری (ساختمان‌های مسکونی) منطقه ۱۰ شهر تهران می‌شود.

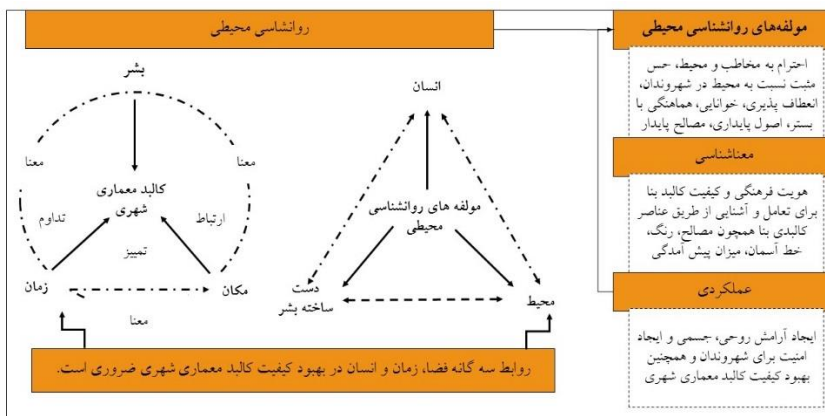
نتیجه گیری

اصلی‌ترین مولفه‌های تدوین و فهم ابعاد روانشناسانه محیطی، مولفه‌های محیطی، عملکردی و فرهنگی هستند که از این میان نقش مولفه‌های محیطی به دلیلی تاثیر بیشتر بر کالبد بنا و در جهت ارتقاء کیفیت کالبد معماری ساختمان‌های مسکونی شهری منطقه ۱۰ شهر تهران پررنگ‌تر است، چرا که ساکنین و شهروندان با نگاهی سطحی به کالبد بناهای این منطقه می‌پردازند و بر اساس علایق و دیدگاه‌هایشان کالبد معماری این منطقه را تحلیل می‌نمایند. حال معماران و طراحان شهری می‌بایست در درجه اول اهمیت مولفه‌های کالبدی را مد نظر قرار دهند که همسو با ابعاد روانشناسانه محیطی باشد تا بدین صورت علاوه بر ارتقاء کیفیت کالبد معماری شهری، تعامل دوسویه میان انسان و محیط را برقرار نموده و ادراکات و احساسات مخاطبین را بهبود بخشند. منطقه ۱۰ شهر تهران، دارای کاربری مسکونی بیشتر نسبت به دیگر کاربری‌ها است و همه روزه تعداد افراد بسیاری را در خود جای می‌دهد از این رو کیفیت معنایی- ادراکی متفاوتی را به مخاطبانش بر اساس کالبد معماری در فضای شهری اش القاء می‌کند. لازم به ذکر است که مولفه‌های خوانایی، حس تعلق و هویت اصلی‌ترین مولفه‌هایی هستند که کیفیت معنایی-

ادراکی را در این منطقه رقم زده اند و از این میان مولفه حس تعلق، بیش از دو مولفه دیگر، کیفیت معنایی- ادراکی این منطقه را منعکس می‌نماید که این امر به دلیل وجود خاطره جمعی در مرکز محله اصلی و فرعی، مدت زمان اقامت ساکنین قدیمی منطقه به جهت وابستگی به محیط و همسایگان، مشارکت ساکنین محله در برگزاری مراسم‌های مذهبی و همچنین وجود وابستگی ساکنین به نوع معماری و تزیینات موجود در این محله است (شکل ۹ و ۱۰).

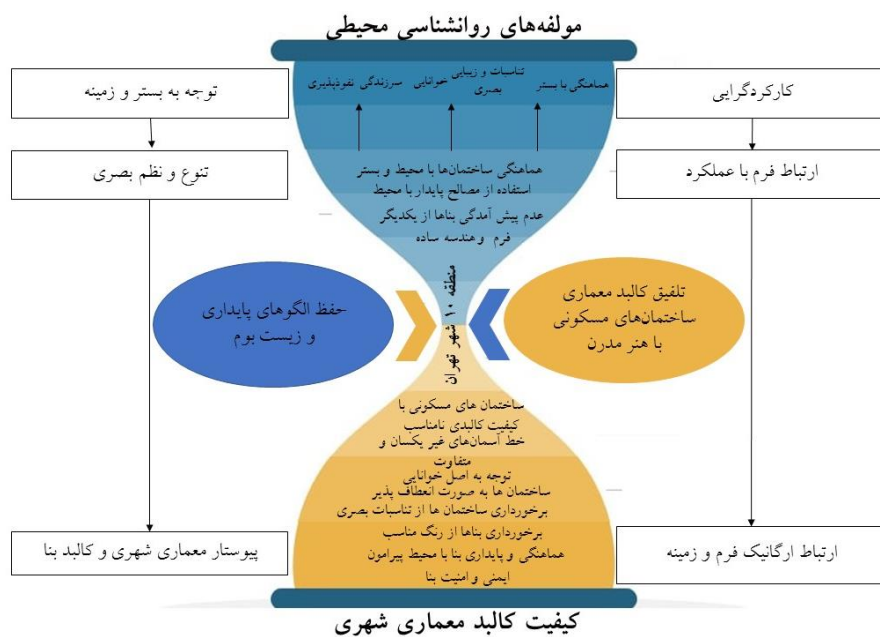


شکل ۹. عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت کالبد معماری شهری منطقه ۱۰ شهر تهران



شکل ۱۰. عوامل مؤثر بر ارتقاء کیفیت کالبد معماری شهری منطقه ۱۰ شهر تهران

الگوهای کالبدی معماری ساختمان‌های مسکونی در فضای شهری منطقه ۱۰ تهران دارای آسیب پذیری بسیاری هستند و غالباً به صورت قدیمی می‌باشند که همین عوامل موجب کاهش کیفیت معماری شهری این منطقه گشته است و از دیدگاه ساکنین این منطقه بسیار ضعیف ارزیابی شده است. ضمن آنکه الگوهای روانشناسی محیطی که مرتبط با خوانایی، انعطاف‌پذیری، عناصر کالبدی، هماهنگی با بستر و زمینه طرح، هویت و فرهنگ و استفاده از مصالح پایدار، پایداری و بنا و... است، در کالبد ساختمان‌های مسکونی این منطقه به شدت در وضعیت پایینی قرار دارد. لذا ارتقاء کیفیت کالبدی ساختمان‌های مسکونی در جهت ارتقاء کیفیت کالبد معماری شهری این منطقه وابسته به عوامل مطرح شده پیرامون عناصر اصلی رویکرد روانشناسانه محیطی هستند.



شک ۱۱. عوامل موثر بر ارتقاء کیفیت کالبد معماری شهری منطقه ۱۰ شهر تهران

با توجه به خلأهای موجود در کیفیت کالبد معماری ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران، در جهت تبیین راهکارهای آینده‌نگر در ارتقاء کیفیت کالبد معماری مسکونی همسو با ابعاد روانشناسانه محیطی در منطقه ۱۰ شهر تهران می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. فهم ماهیت مصالح ساختمانی که در سرشت خود پایدار باشند و به صورت هماهنگ با منطقه باشند، در بناهای معمارانه بکاررفته، این امر مستلزم استفاده از مصالح بوم آورد و هماهنگ با قدمت منطقه ۱۰ شهر تهران است که به سمت مدرنیته نگرآورده است.

۲. خلق ساختمان‌های مسکونی حضورپذیر با مقیاس انسانی که زمینه بودن افراد در منطقه را فراهم و منجر به شکل‌گیری خاطرات در ذهن ایشان شود. این امر موجب احساس یگانگی با محیط و معماری شهری است که در ساکنین موجب هویت‌مندی می‌شود. موردی که در پروژه‌های این منطقه مورد بی توجهی قرار گرفته است.

۳. توجه به نقش نمادین رنگ و فرم در کالبد ساختمان‌های مسکونی، چه از منظر کیفیت کالبدی و چه از منظر بهبود و ارتقاء مولفه‌های انگیزشی ساکنین منطقه ۱۰ شهر تهران و چه به مثابه عنصر معنادار در معماری شهری این منطقه که می‌تواند احساسات و ادراکات افراد را درگیر کند و ذهنیت ایشان را نسبت به کیفیت معماری شهری این منطقه بهبود بخشد.

۴. توجه و شناخت احساسات و علایق شهروندان منطقه ۱۰ شهر تهران در حیطه کالبد ساختمان‌های مسکونی، که این مهم می‌تواند دلپذیری و حس تعلق ایجاد کند.

۵. پرهیز از برداشت‌های سطحی، فرمال و صوری از عناصر کالبد معماری شهری در طراحی‌های امروز.

۶. توجه به مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی- هویتی و حکمی نشانه‌های موجود در کالبد ساختمان‌های مسکونی و حفظ و باززنده‌سازی آن‌ها در جهت رهیافت به بعد روانشناسی محیطی؛ بعدی از دیدگاه احساسات و تعلقات شهروندان.

۷. استفاده از تمامی ابعاد مولفه‌های روانشناسی محیطی در طراحی کالبد معماری ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران.

۸. استفاده از تنوع انحاء حضورپذیری مولفه‌های روانشناسی محیطی در کالبد (فرم، رنگ، مصالح، تناسبات) ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۰ شهر تهران که موجب سیر تکمیلی و تکاملی متأثر از دیدگاه معماری شهری نسبت به سنا می‌شود، اصلی که در بناهای امروزی این منطقه مورد توجه قرار نگرفته است.
۹. حضور مولفه‌های روانشناسی محیطی (کالبدی، انگیزشی و عملکردی) به مثابه نشانه‌های معنادار در بنا، موجب افزایش حس مکان و تعلق خاطر ساکنین می‌شود. لذا از این امر در جهت بهبود کیفیت کالبد معماری شهری این منطقه می‌توان بهره برد.
۱۰. استفاده از مصالح پایدار در محیط با ماندگاری بالا که علاوه بر هماهنگی با زمینه و بستر با هویت و فرهنگ منطقه ۱۰ همسو باشد. مصالحی همچون آجر.
۱۱. همسوسازی کالبد ساختمان‌های مسکونی با بستر و زمینه قرارگیری.
۱۲. ارتباط مستقیم مصالح و رنگ با بستر و زمینه و زیست بوم اطراف بنا.
۱۳. خوانایی بنا در فرم، مصالح، رنگ و تنوع کالبد ساختمان.
۱۴. افزایش دید از درون به بیرون بنا از طریق بازشوها و کالبد بنا جهت ارتباط ساکنین با طبیعت.
۱۵. توجه به مقیاس و تناسبات انسانی، ایجاد فضای سبز، عدم تراکم زیاد ساختمان‌ها در جهت سازگاری با محیط و ارتباط با بستر قرارگیری.
۱۶. ایجاد حجم‌های پر و خالی، دسترسی مناسب به بنا در راستای ارتقاء نفوذپذیری و ارتباط با بستر.
۱۷. کاهش تراکم بناها، ایجاد نظم در جهت قرارگیری ساختمان‌ها در همجواری یکدیگر و همچنین در کالبد طرح ساختمان، ارتباط بنا با محیط پیرامونی؛ که منجر به سرزندگی بنا می‌گردد.

منابع

- آرامی، حمیدرضا. حکمت نیا، محمود و محمودی کامل آبادی. مهدی. ۱۴۰۱. معماری شهری و حقوق شهروندی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. دوره ۵۲. شماره ۳. ۱۵۶۵-۱۵۸۲.
- امام قلی، عقیل، آیوازیان، سیمون، محمدی، علی زاده، اسلامی، سید غلامرضا، ۱۳۹۵، روانشناسی محیطی، عرصه مشترک معماری و علوم رفتاری، فصلنامه علوم رفتاری، شماره ۱۱، ۲۳-۴۴.
- امینی، احسان. طغیانی، شیرین و شبانی، امیر حسین. ۱۴۰۲. تبیین مؤلفه‌های فضای شهری ویژه سالمندان با رویکرد روانشناسی محیطی (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر شیراز). نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و سوم، شماره ۶۸. ۴۰۳-۴۲۶.
- برزگر، اسماعیل. قنبری، عبدالرسول. موعولی. مرضیه. ۱۴۰۱. سنجش کیفیت فضاهای شهری به لحاظ وضعیت زیست‌پذیری شهری (نمونه موردی: شهرستان مهر). فصل نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس. دوره ۱۴. شماره ۵۴. ۷-۲۶.
- بندرآبادعلیرضا. ۱۳۹۶. مقایسه تطبیقی مفاهیم «مکان» و «خارج از مکان» در توسعه اجتماعی شهر از دیدگاه روانشناسی محیطی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم. شماره ۳۲. ۱۳۸-۱۶۸.
- بهبود، الهام، حقیر، سعید و اختیاری، مریم. ۱۴۰۰. تبیین روان شناسی محیطی معیارهای کیفیت فضایی مجتمع‌های مسکونی در ارزیابی عملکرد مینا، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای. سال ۱۱. شماره ۳. ۶۲۸-۶۴۴.
- پرکار کومله. محمد. ۱۳۹۶. تاثیر محرک‌های محیطی بر رفتار مشتریان با رویکرد روانشناسی محیطی، فصلنامه مدیریت و حسابداری، شماره ۷. ۱۸۳-۲۰۴.

- جنگجو، شهرام سعیده زرآبادی، زهرا سادات زیاری، یوسف علی بندرآباد، علیرضا، ۱۳۹۸. تبیین الگویی از راه یابی در شهر با رویکرد روان شناسی محیطی (مطالعه موردی: ۱۱ محور پیاده مدار شهر تهران). شماره ۲۳. ۶۲-۷۵.
- حاتمی، مژگان، ۱۳۹۶، کاربست علم روانشناسی محیطی در معماری و طراحی شهری با تاکید بر اصول و معیارهای طراحی مجتمع های مسکونی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۳، ۱۵۳-۱۷۸.
- خستو، مریم. حبیب. فرح. ۱۳۹۵. رویکردی تحلیلی به تاثیر کالبد شهر بر فرهنگ با تاکید بر بافت شهری مطالعه موردی: شهر قزوین. فصلنامه شهر ایرانی اسلامی. سال هفتم. شماره ۲۶. ۳۱-۴۲.
- رجبی امیرآباد، ربابه و بیژن رحمانی. ۱۳۹۹، نقش فضاهای شهری در ارتقای کیفیت زندگی (مطالعه موردی شهر ملایر)، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال ۲۰. شماره ۵۸. ۳۱-۴۹.
- رسول پور، هژبر، اعتصام، ایرج، طهماسبی، ارسلان، ۱۳۹۷، ارزیابی تأثیر مؤلفه های کیفیت محیطی بر الگوهای رفتاری در فضاهای فیزیکی شهری (نمونه موردی: خیابان ولیعصر (عج) تهران)، مطالعات محیطی هفت حصار شماره بیست و پنجم، سال هفتم، ۱۹-۳۴.
- رضوانی، علیرضا، ۱۳۹۵. روح شهر، باز تعریفی از شهر، فضا، فضای شهری و تعیین شاخص های روحبخش، فصلنامه علوم انسانی، شماره چهارم، سال دوم، ۵۵-۷۹.
- رفعیان، مجتبی؛ تقوایی، علی اکبر؛ خادمی، مسعود و علیپور، رجا، ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی رویکردهای سنجش کیفیت در طراحی فضاهای عمومی شهری، نشریه انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران. (۴)، ۵۳-۴۳.
- شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا، ۱۳۹۴ محاط در محیط: کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران.
- Behzadfar, m and Mahmoodi Kordestani, p, 2009, Qualitative Norms of public Space urban Design, Armanshahr Architecture and urban Planning, Journal3,32-48.
- Ghosh, Mainak. 2022. Urban Design - introduction, history, characteristics, parameters, In book: Encyclopedia of Design, Publisher: Bloomsbury.
- Bounds, M, 2004. Urban Social Theory (City, Self and Society), New York: Oxford University Press.
- Mosharraf, Hesam Modin, Tabaeian, Seyedeh Marzieh, 2014, The Importance of Environmental Psychology in Design of Educational Spaces, Advances in Environmental Biology, 8(22), : 766-771.
- Rad Jahabani, N. & Partoi, P. 2012. Comparative Study of Environmental Quality in Urban Neighborhoods, with Sustainable Development Approach, Case Study: Street Neighborhoods and Ilgoli of Tabriz. Journal of Architecture and Urban Planning (6), 25-49.
- Roshani, p, Habibi, p, Zarabadi, , K., Z.S.S, 2017, Presenting a Conceptual Model for Integrating Urban Space Network with "Living Community" Approach, journal of Architect. Eng. Urban Plan, 27(2): 127-136.
- Safiullah, Prof. Ashutosh Sharma, 2017, Built Environment Psychology A Complex Affair of Buildings and User, International Journal of Engineering and Technology, Vol 9 No 3, 503-509.
- Uzzell, D., & Rätzzel, N. 2019, Transforming environmental psychology. Journal of Environmental Psychology, 29(3), 340-350.
- Zhu, LeiYe, Wang, Qi, JunHua, Xu, ,Qing Wu ,MeiDong Jin ,RongJunLiao ,HaiBin Wang, 2017, The Present of Architectural Psychology Researches in China-Based on the Bibliometric Analysis and Knowledge Mapping Earth and Environmental Science, 128, 1-6.